

کتاب المضاربه

احکام

تعریف

بسم الله الرحمن الرحيم
المستعان بك يا صاحب الزمان عج الله تعالى

توضیحات

با تشکر از برادر عزیزم محسن بهرامی که نسخه نموداری قابل تغییر لعمه را در سایت طلبگی تا اجتهاد قرار دادند
توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه ی استاد بزرگوار زاد حسینی استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی ست
اگر در این اثر از حیث محتوی ایراد وارد باشد به حقیر برمیگردد نه جزوه و بیان استاد بزرگوارم زاد حسینی
این نمودار و محتوی آن بی شک دارای نواقص و کاستی هایی ست که امیدوارم به دست شما برادران بزرگوار خودم تکمیل شود
این اثر جهت استفاده طلاب و نشر آن در بین مومنین تهیه شده است لذا هرگونه استفاده مالی جهت کسب درآمد از این اثر را جایز نمی دانم
توابع این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر مادر سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی پسند

شرایط مضاربه

و هـی جائزۃ من الطرفین

در عقد جائزۃ
فسخ جایز ست
عقد با هر لفظی که بر آن دلالت میکند واقع میشود

شرط ضمن عقد

و لا یصح اشتراط

اگر لازم بودن عقد را شرط کنند
مشهور فقها
اگر لازم بودن عقد را شرط کنند

و او الاجل فیها

اگر مدت را شرط کنند
این شرط صحیح نیست و وفای به آن لازم نیست

و ینفق فی السفر کمال نفقته من اصل المال

در حد شان عامل
مخارج عامل در سفر از اصل مال کم میشود

و یقتصر من التصرف علی ما اذن المالك له

اگر مالک اذن خاص داده باشد
اگر عامل اذن نوع تصرف که مالک مشخص کرده مخالفت کند

و لو اطلق تصرفا

سه نوع تصرف جایز ست
عامل به خاطر انجام کار های معمول تجارت مثل عرضه جنس، فروختن، گرفتن پول، اجرتی دریافت نمیکند

عامل

اقدام تصرفات عامل

عامل

شرط سرمایه

خرید فروش با اذن مطلق

سرمایه

مالک

نزاع بین عامل و مالک

ضمین
ضامن ست
(اگر از شرایط و خط قرمزهای مالک مثل زمان و مکان عبور کند)

و الویج علی الشرط
(با وجود تجاوز در مثل زمان باز هم سود به نسبت شرط شده تقسیم می شود ولی در صورت تجاوز در عین اگر مالک اجازه ندهد عقد باطل است)

و العامل امین لا یضمن
عامل امین ضامن نیست مگر در دو صورت

و لیس للعامل ان یشتری ما فیہ ضرر علی المالك
و لا یشتری من رب المال شیئا
(حق ندارد به ضرر مالک چیزی بخرد مثلا با پول مالک عبد که پدر اوست را بخرد تا منعقد شود)
(عامل حق ندارد با پول مضاربه از خود مالک خرید کند)

شرط سرمایه
و ینبغی ان یتجوز رأس المال معلوما عند العقد
سزوارست که مقدار سرمایه هنگام عقد مضاربه معلوم باشد
مشاهده سرمایه به منظور علم به مقدار آن کفایت نمیکند

و لیشتر
در صورتی که عامل بخواهد کالایی را بخرد
تقدی بخرد

و لیبع
در صورتی که عامل بخواهد کالایی را بفروشد
تقدی بخرد

و انما تجوز بالدرهم و الدائیر
به اجماع فقها مضاربه فقط با سرمایه ای صحیح ست که درهم دینار باشد

و تلزم الحصة بالشرط (لا الاجرة)
سهام عامل و مالک از سود به همان شکلی ست که در مضاربه شرط شده لازم میگردد
نه اینکه عامل مستحق اجرت مثل گردد

خرید فروش با اذن
و لیشتر یغین المال
جایز ست مالک آن کالا را در مقابل کالای دیگری نقدی یا به قیمت واقعی بفروشد
مگر مالک سرمایه اذن دهد که عامل نسبیه بخرد و بر ذمه ی او بیاندازد

صورت اول
تا زمان فسخ سودی پدید نیامده باشد
فیلعابل اجرۃ مثله ائی ذلک الوقت ان لم یکن ربح
اجرت مثل عمل خود را تا زمان فسخ میگیرد

صورت دوم
در هنگام فسخ سودی حاصل شده باشد
در صورتی که مالک نخواهد حق عامل را از خود مال بدهد

نزاع دربارہ مقدار سرمایہ باشد
قدر رأس المال
قول عامل که منکر ست مقدم میشود
دلیل
اصل عدم زیادی ست و قول عامل موافق اصل ست

نزاع دربارہ مقدار سود باشد
و قدر الربح
قول عامل پذیرفته میشود
دلیل
عامل امین محسوب میشود

و هی ان یدفع مالا الی غیره
شخصی مالی را به دیگری بدهد تا با آن کار کند
(درصد مشخصی از سود به صاحب سرمایه برسد)

و هی جائزۃ من الطرفین
در عقد جائزۃ
فسخ جایز ست
عقد با هر لفظی که بر آن دلالت میکند واقع میشود

شرط ضمن عقد
و لا یصح اشتراط
اگر لازم بودن عقد را شرط کنند
مشهور فقها
اگر لازم بودن عقد را شرط کنند

و او الاجل فیها
اگر مدت را شرط کنند
این شرط صحیح نیست و وفای به آن لازم نیست

و ینفق فی السفر کمال نفقته من اصل المال
در حد شان عامل
مخارج عامل در سفر از اصل مال کم میشود

و یقتصر من التصرف علی ما اذن المالك له
اگر مالک اذن خاص داده باشد
اگر عامل اذن نوع تصرف که مالک مشخص کرده مخالفت کند

و لو اطلق تصرفا
سه نوع تصرف جایز ست
عامل به خاطر انجام کار های معمول تجارت مثل عرضه جنس، فروختن، گرفتن پول، اجرتی دریافت نمیکند

ضمین
ضامن ست
(اگر از شرایط و خط قرمزهای مالک مثل زمان و مکان عبور کند)

و الویج علی الشرط
(با وجود تجاوز در مثل زمان باز هم سود به نسبت شرط شده تقسیم می شود ولی در صورت تجاوز در عین اگر مالک اجازه ندهد عقد باطل است)

و العامل امین لا یضمن
عامل امین ضامن نیست مگر در دو صورت

و لیس للعامل ان یشتری ما فیہ ضرر علی المالك
و لا یشتری من رب المال شیئا
(حق ندارد به ضرر مالک چیزی بخرد مثلا با پول مالک عبد که پدر اوست را بخرد تا منعقد شود)
(عامل حق ندارد با پول مضاربه از خود مالک خرید کند)

شرط سرمایه
و ینبغی ان یتجوز رأس المال معلوما عند العقد
سزوارست که مقدار سرمایه هنگام عقد مضاربه معلوم باشد
مشاهده سرمایه به منظور علم به مقدار آن کفایت نمیکند

و لیشتر
در صورتی که عامل بخواهد کالایی را بخرد
تقدی بخرد

و لیبع
در صورتی که عامل بخواهد کالایی را بفروشد
تقدی بخرد

و انما تجوز بالدرهم و الدائیر
به اجماع فقها مضاربه فقط با سرمایه ای صحیح ست که درهم دینار باشد

و تلزم الحصة بالشرط (لا الاجرة)
سهام عامل و مالک از سود به همان شکلی ست که در مضاربه شرط شده لازم میگردد
نه اینکه عامل مستحق اجرت مثل گردد

خرید فروش با اذن
و لیشتر یغین المال
جایز ست مالک آن کالا را در مقابل کالای دیگری نقدی یا به قیمت واقعی بفروشد
مگر مالک سرمایه اذن دهد که عامل نسبیه بخرد و بر ذمه ی او بیاندازد

صورت اول
تا زمان فسخ سودی پدید نیامده باشد
فیلعابل اجرۃ مثله ائی ذلک الوقت ان لم یکن ربح
اجرت مثل عمل خود را تا زمان فسخ میگیرد

صورت دوم
در هنگام فسخ سودی حاصل شده باشد
در صورتی که مالک نخواهد حق عامل را از خود مال بدهد

نزاع دربارہ مقدار سرمایہ باشد
قدر رأس المال
قول عامل که منکر ست مقدم میشود
دلیل
اصل عدم زیادی ست و قول عامل موافق اصل ست

نزاع دربارہ مقدار سود باشد
و قدر الربح
قول عامل پذیرفته میشود
دلیل
عامل امین محسوب میشود

نزاع دربارہ مقدار سرمایہ باشد
قدر رأس المال
قول عامل که منکر ست مقدم میشود
دلیل
اصل عدم زیادی ست و قول عامل موافق اصل ست

نزاع دربارہ مقدار سود باشد
و قدر الربح
قول عامل پذیرفته میشود
دلیل
عامل امین محسوب میشود